یادداشت راهبردی/گزارش سیاستی

پیامدهای اقتصادی بستن تنگه هرمز

علی سعیدی | استادیار اقتصاد دانشگاه قم

۲۳ اسفند ۱۴۰۴

چکیده مدیریتی

با تهاجم گسترده نیروهای آمریکایی و صهیونی به ایران و متعاقباً بستن تنگه هرمز توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، فصل تازه‌ای در نظام تجارت خارجی ایران آغاز شده است. ممنوعیت تردد کشتی‌ها از این تنگه، فشار زیادی را به بازارهای جهانی و به‌ویژه بازار نفت وارد کرده است. از سویی، سیاست اعلامی جمهوری اسلامی ایران احترام به حاکمیت ارضی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و عدم تعدی به خاک آن‌ها است و هدف‌گیری صرفاً پایگاه‌ها و منافع آمریکا در این کشورها مد نظر است و از سوی دیگر، ابتکار عمل در بازار نفت و تعیین تکلیف برای حداقل ۲۰ درصد از نفت جهانی در اختیار ایران است. بنابراین و با توجه به:

- نیاز کشورهای جهان به نفت خلیج‌فارس و عدم امکان جایگزینی آن با نفت سایر مناطق جهان
- افت تولید نفت در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی و فشار اقتصادی به آن‌ها
- نیاز ایران به یارگیری در فضای بین‌المللی و انزوای آمریکا و رژیم صهیونی و جلوگیری از اجماع‌سازی علیه ایران
- ایفای نقش مؤثر و سازنده ایران در کنترل تنگه هرمز به‌عنوان یک راهبرد بلندمدت

اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

- خرید اعتباری نفت از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و فروش آن توسط ایران

- اخذ عوارض از تردد کشتی‌ها و منع کامل تردد کشتی‌های وابسته به آمریکا و رژیم صهیونی و هم‌پیمانان آن‌ها در جنگ علیه ایران و در کنار آن، ارائه تخفیف به کشورهای همسو و متحد
- اقدام به ساخت فوری پالایشگاه‌های کوچک در سراسر پهنهٔ سرزمینی برای تبدیل نفت خام کل خلیج‌فارس به فراورده‌های نفتی و صادرات آن از بندر چابهار
- طرح معادله نفت خام در برابر فراورده‌های نفتی با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس

توضیح اینکه صرفاً طرح هر کدام از این ایده‌ها می‌تواند برگ برنده‌ای برای تغییر جهت میدان جنگ به سمت ایران و تعریف اهداف مشخص و معین برای پایان جنگ باشد.

فهرست

- **مقدمه** **۳**
- **ابعاد و پیامدهای اقتصادی بستن تنگه هرمز** **۳**
  - ۱. افزایش قیمت نفت ۳
  - ۲. افزایش قیمت گاز و کاهش تولید آن ۶
  - ۳. محدودیت عرضه کالاها ۷
- **توصیه‌های سیاستی** **۷**

مقدمه

با تهاجم نظامی رژیم مستکبر ایالات متحده و رژیم کودک‌کش صهیونی، جمهوری اسلامی ایران اقدام به اتخاذ تدابیر راهبردی برای مجازات این کشورها و هدف‌قراردادن منافع آن‌ها به‌ویژه در منطقه کرده است. این اقدامات طیف وسیعی از هدف‌گرفتن پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، هدف‌گرفتن مقرهای گروهک‌های نیابتی و حامی آمریکا، موشک‌باران مناطق اشغالی در فلسطین و در رأس آن‌ها، بستن تنگه هرمز است. آنچه به‌طور خاص ازلحاظ اقتصادی اهمیت دارد، بستن این تنگه راهبردی است که نه‌تنها محل تردد کشتی‌های نفتی بلکه محل عبور بسیاری از کالاهای اساسی و راهبردی است. شناسایی پیامدهای این اقدام و طراحی راهبردهای بلندمدت برای پس از پایان جنگ، ضروری به نظر می‌رسد. در این گزارش، ابتدا به ابعاد و پیامدهای اقتصادی بستن تنگه هرمز می‌پردازیم و سپس گزینه‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای تداوم کنترل و نظارت بر تنگه را به‌عنوان تضمین امنیت منطقه و مانع ورود مجدد آمریکایی‌ها به خلیج‌فارس بررسی می‌کنیم.

ابعاد و پیامدهای اقتصادی بستن تنگه هرمز

۱. افزایش قیمت نفت

با شروع تهاجم آمریکا و رژیم صهیونی و متعاقباً بستن تنگه هرمز، قیمت نفت بلافاصله پس از بازگشایی بازارها، شروع به افزایش کرد و از حدود ۷۰ دلار در هر بشکه به بیش از ۱۰۳ دلار (در ۲۳ اسفند) رسیده و نزدیک به ۵۰ درصد افزایش را تجربه کرده است. اگرچه قیمت نفت لحظاتی به حدود ۱۲۰ دلار هم رسید اما اقداماتی همچون آزادسازی ذخایر راهبردی نفتی توسط کشورهای اروپایی و همچنین صدور اجازه خرید نفت‌های روسیه به مدت ۳۰ روز، باعث مدیریت شوک در قیمت نفت شد.

قیمت نفت از زمان شروع تهاجم آمریکا و رژیم صهیونی به ایران[1]

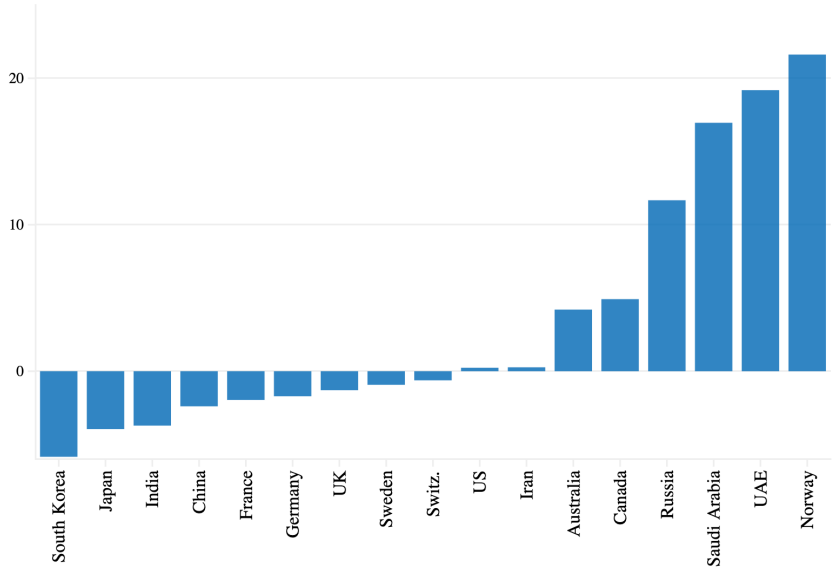


افزایش قیمت نفت، اثرات نامتقارنی را بر کشورهای مختلف داشته است:

- کشورهایی که واردکنندهٔ خالص نفت خام هستند ازجمله کشورهای اروپایی، ژاپن و کره، بیشترین فشار را از این افزایش قیمت نفت متحمل می‌شوند.
- ازآنجاکه آمریکا با فناوری نفت شیل به بزرگترین تولیدکننده نفت تبدیل شده است، افزایش قیمت نفت می‌تواند به نفع شرکت‌های نفتی این کشور تمام شود اما افزایش قیمت فراورده‌های نفتی از جمله بنزین و گازوئیل، فشار زیادی را به مصرف‌کنندگان و خانوارهای آمریکایی وارد می‌کند.
- کشورهای صادرکننده خالص در خارج از منطقه مانند روسیه، کانادا و نروژ، منافع خالصی را از افزایش قیمت نفت دریافت می‌کنند.
- کشورهای نفتی حاشیه خلیج‌فارس، علی‌رغم افزایش قیمت نفت، به علت بسته بودن تنگه هرمز و ناتوانی در انتقال نفت و محدودبودن امکان ذخیره‌سازی نفت خام، مجبور به کاهش تولید شده‌اند و بزرگترین بازندگان جنگ هستند.

[1]. https://tradingeconomics.com/commodity/brent-crude-oil

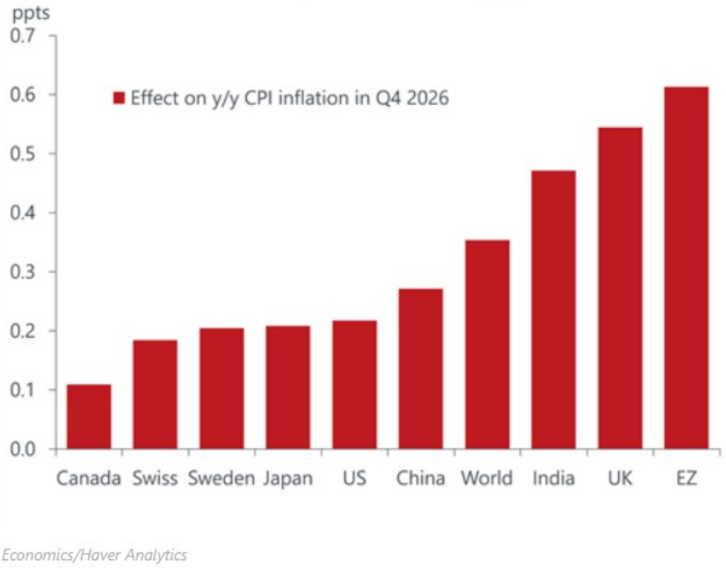
خالص تجارت انرژی (درصد از تولیدناخالص داخلی)



Source: Capital Economics

در نمودار زیر، اثر افزایش قیمت نفت را بر تورم کشورهای مختلف می‌توان مشاهده کرد:

اثر افزایش قیمت نفت بر تورم کشورهای مختلف



Economics/Haver Analytics

البته اثر بستن تنگه هرمز صرفاً بر حجم مبادلات نفتی نیست بلکه با توجه به تفاوت کیفیت نفت‌های مناطق مختلف، امکان جایگزینی نفت خام ورودی برای پالایشگاه‌های مختلف حداقل در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. درواقع نفت خام یک کالای همگن نیست بلکه طیفی از هیدروکربن‌ها با وزن‌های مولکولی متفاوت است. بنابراین طرف‌های واردکننده نفت از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، گزینه‌های زیادی برای جایگزینی نفت این منطقه ندارند و ازاین‌جهت حتی اگر عرضه نفت از سایر مناطق جهان مثل ونزوئلا افزایش پیدا کند، نمی‌تواند جایگزین نفت این منطقه باشد.

۲. افزایش قیمت گاز و کاهش تولید آن

با بستن تنگه هرمز، ۲۰ درصد از گاز مایع جهان که در قطر تولید می‌شود از بازار جهانی حذف شده است.

- شرکت دولتی قطر انرژی (QatarEnergy) در سال ۲۰۲۵ میلادی بیش از ۸۰٫۹۷ میلیون تُن متریک گاز طبیعی مایع (LNG) صادر کرده است. این شرکت برنامه دارد ظرفیت تولید سالانه خود را از ۷۷ میلیون تُن در سال کنونی به ۱۴۲ میلیون تُن در سال تا سال ۲۰۳۰ افزایش دهد؛ اقدامی که باعث می‌شود حدود یک‌چهارم از بازار جهانی LNG را در اختیار بگیرد و پس از ایالات متحده، دومین صادرکننده بزرگ جهان باشد.
- قطر انرژی، گاز مایع خود را به اروپا و بیش‌تر به بازارهای آسیایی صادر می‌کند؛ به‌طوری‌که بیش از ۸۰ درصد مشتریان آن در کشورهای چین، ژاپن، هند، کره جنوبی، پاکستان و سایر کشورهای منطقه قرار دارند.
- برآورد معامله‌گران نشان می‌دهد که ۹۰ تا ۹۵ درصد فروش گاز شرکت تحت قراردادهای بلندمدت و تنها ۵ تا ۱۰ درصد آن تحت قراردادهای لحظه‌ای (spot) انجام می‌شود.
- تأسیسات تولید LNG قطر، شامل واحدهای تولید، مایع‌سازی و صادرات، تقریباً به‌طور کامل در شهر بندری رأس‌لافان در شمال‌شرقی دوحه، در فاصله حدود ۸۰ کیلومتری (۵۰ مایلی) پایتخت، متمرکز هستند.
- قطر انرژی گاز خود را از میدان‌های مشترک با ایران استخراج می‌کند و تمامی کشتی‌های حامل LNG قطر باید از تنگه هرمز برای خروج از خلیج فارس عبور کنند.
- شرکت‌های بزرگ بین‌المللی انرژی نظیر اکسون‌موبیل (ExxonMobil)، شل (Shell)، توتال‌انرژی (TotalEnergies)، انی (Eni) و کونوکوفیلیپس (ConocoPhillips) از جمله سرمایه‌گذاران اصلی در پروژه‌های LNG قطر به شمار می‌روند.[۲]

[2]. https://www.reuters.com/business/energy/qatars-role-global-gas-market-2026-03-02/



- تایوان به‌عنوان مهم‌ترین واردکننده گاز مایع قطر، در حال حاضر ظرفیت ذخیره‌سازی بسیار محدودی دارد، به این معنی که اختلالات به سرعت به کمبود برق تبدیل می‌شوند. شرکت TSMC در معرض بیشترین ریسک قرار دارد. این شرکت حدود ۹۰ درصد از پیشرفته‌ترین نیمه‌هادی‌های جهان را تولید می‌کند و تقریباً ۹٪ از برق تایوان را مصرف می‌کند. بنابراین، بدون گاز مایع، برق این شرکت تأمین نمی‌شود و درنتیجه تراشه‌های الکترونیکی در آن تولید نخواهد شد و از این مسیر، تولید تراشه و سخت‌افزار مورد نیاز برای خدمات اینترنتی و فناوری ارتباطات با مشکل مواجه خواهد شد.

۳. محدودیت عرضه کالاها

- تقریباً یک سوم از مواد اولیه کود نیتروژن جهان از طریق تنگه هرمز جابجا می‌شود. کودهای نیتروژنی مصنوعی دلیل تغذیه میلیاردها نفر از مردم کره زمین هستند و بدون آنها، تولید کشاورزی جهانی سقوط می‌کند.
- همچنین عمده محصولات پتروشیمی و سایر فراورده‌های نفتی که در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تولید می‌شود از این تنگه عبور می‌کند و به سایر نقاط جهان ارسال می‌شود.

توصیه‌های سیاستی

با توجه به فرصت تاریخی به‌دست‌آمده از انسداد تنگه هرمز و به‌منظور تبدیل این فرصت به دستاوردهای اقتصادی و تثبیت آن در بلندمدت، پیشنهادهای سیاستی زیر را باید در نظر گرفت:

- خرید اعتباری نفت از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و فروش آن توسط ایران

- اخذ عوارض از تردد کشتی‌ها و منع کامل تردد کشتی‌های وابسته به آمریکا و رژیم صهیونی و هم‌پیمانان آن‌ها در جنگ علیه ایران و در کنار آن، ارائه تخفیف به کشورهای همسو و متحد
- اقدام به ساخت فوری پالایشگاه‌های کوچک در سراسر پهنهٔ سرزمینی برای تبدیل نفت خام کل خلیج‌فارس به فراورده‌های نفتی و صادرات آن از بندر چابهار
- طرح معادله نفت خام در برابر فراورده‌های نفتی با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس